مردم
روزنامهٔ یومیه
صاحب امتیاز صفر نوعی

سال نخست ـ شماره ۱۷۳ پنجشنبه ۲ مهرماه ۱۳۲۱ برابر با ۲۴ سپتامبر ۱۹۴۲ تک‌شماره پنجاه دینار ـ تلفن ۹۶۴۸

کاروان دوم

کاروان دوم جنایتکاران شهربانی در شرف تشکیل و قریباً بکاروان‌سالاری رکن‌الدین مختار آماده سفر محاکمه خواهد گشت . روزی طبل رحیل آن نواخته خواهد شد و این بار مسافرت طولانی [illegible] در دادگاه جنائی شروع خواهد شد . ملت با دقت و علاقه مواظب است که هرچه زودتر آغاز وجریان آن منظم‌تر وانجام آن عادلانه‌تر از اولی پیش‌بینی باشد !

اخیراً جرائد اطلاع دادند که یکدسته از پرونده های دیگر جنایات شهربانی سابق که در دادسرای دیوان کیفر تشکیل شده است چون تعقیب آنها را جزو صلاحیت خود تشخیص نداده است بدادسرای شهرستان تهران احاله نموده تا تحقیقات آن تکمیل و بدادگاه جنائی فرستاده شود . پرونده های فوق‌الذکر در دادسرا در دست تکمیل و بزودی بدادگاه رجوع خواهد شد . موضوع این پرونده ها قتل‌های عمدی است که بدست عمال جنایتکار شهربانی سابق و بدستور مختار یا رؤسای سابق شهربانی انجام یافته است . تفاوت اینها با چهار فقره قتلی که در دیوان کیفر محاکمه شده اینست که در اینها مجرم و مرتکب اصلی تشخیص داده شده و شرکاء و معاونین وی معلوم گردیده اند [illegible] طبق ماده ۱۷۰ قانون مجازات عمومی سزاوار اعدام بوده و باید در دیوان جنائی محاکمه شوند . اینک نظر ما راجع باین جرائم وطرز تعقیب آنها :

یکدسته از این پرونده ها راجع بقتل‌هائی است که در زندان ارتکاب گردیده است . آزادیخواهان را بجرم آزادیخواهی برخلاف قانون توقیف نموده بزندان افکنده اند و مدتها در تحت فشار نگاهداشته اند . عده از رجال سابق را حبس کرده و مدتها در زندان قصر جای داده اند ، و اشخاص [illegible] را با پرونده های ساختگی توقیف نموده اند . بازداشت این اشخاص در نتیجه اغراض [illegible] بوده است . بعضی را رژیم و حکومت سابق مخالف خود می‌دانسته و [illegible] آنها را برای ادامه تسلط خویش مضر میدانسته است . برخی دیگر مورد [illegible] و غرض و کینه دیکتاتور سابق و اطرافیان وی بوده اند . عده را اینها دشمن ورقیب خود و مخالف سلطهٔ شخصی خویش تشخیص داده بودند . گناه بعضی فقط ثروت و دارائی آنها بود که چشم طماع زمامداران سابق [illegible] برای غصب و چنگ آوردن آن [illegible] بود . اینها را بزندان میافکندند [illegible] آنها را [illegible] بالاخره رابطه آنها را با دیگران [illegible] قطع [illegible] آیا اینها مرگ طبیعی [illegible] اند ، آیا مردن اینها مانند مرگ کسی است که در بین خانواده و دوستان با اجل طبیعی مرده باشد ؟ خیر ! مرگ این اشخاص در حکم قتل عمدی و حتی [illegible] از قتل عمدی هم [illegible] است . زیرا در هنگام قتل شخص آزاد [illegible] از خود مدافعه کند . آری کشتن محبوسی که سالها در حبس و زیر شکنجه [illegible] و مدتها با دست و پای بسته در انتظار مرگ نشسته تا عاقبت دژخیم [illegible] سر وقت وی آمده و خون اورا با وضع فجیعی ریخته است صد بار از قتل عمدی بدتر و شنیع‌تر است ! چقدر این بیچاره زجر کشیده و شکنجه دیده ! چقدر خون خورده و سوخته و ساخته است ! حتی از دسترس [illegible] را هم دور نگه میداشتند تا مگر قبل از اینکه زهر و شکنجه آنها [illegible] خود را کشته و از این زندگی [illegible] قاتلین چنین شهدائی صد بار از قاتل عمدی سنگدل‌تر و قسی‌القلب‌تر میباشند و مجازات [illegible] مراتب باید شدیدتر باشد !

دکتر ارانی را در عنفوان شباب ، در بهار زندگی ، در حالیکه هزاران [illegible] و آمال عالی برای خدمت باجتماع در مغز خود میپروراند ، پس از یکسر [illegible] ([illegible] کوتاه بوده) مبارزه ومقاومت در مقابل زور واستبداد و [illegible] با چنین وضع فجیعی از بین بردند ! دکتر ارانی پس از سه سال [illegible] وشکنجه که دو سال آن در مجرد و [illegible] دور از دوستان و آشنایان و [illegible] بود [illegible] طرز جان سپرد و یکدنیا علم و ایمان را در نتیجه جنایتکاری [illegible] با خود بگور برد !

فرخی بزرگترین شاعر غزلسرا و انقلابی عصر حاضر پس از سه سال [illegible] بطرز فجیعی در گوشه مریضخانه زندان جانداد ! فرخی در دادسرای [illegible] خواست خود [illegible] واز این زندگی [illegible] فرخی آسوده سازد ؛ ولی [illegible] برای او زود بود ؛ دشمنان جنایتکار وی میخواستند [illegible] آنها لازم میدانستند که مدتی این مرد آزادیخواه را در زندان شکنجه [illegible] و گرسنگی [illegible] و آزار کنند ! فرخی از ناچاری آخرین لباسهای خود را در زندان فروخت و برهنه و عریان ماند ! باز هم کینه دشمنان وی [illegible] ! پنج ماه تمام بدون حمام و نظافت در حبس مجرد تاریک نگهداشتند ! [illegible] صبح اورا در کمال صحت و سلامت بمریضخانه بردند و فردا صبح جسد [illegible] در گورستان نامعلومی دفن کردند !

[illegible] پس از خانه حبس دستوری مدتها بدون ملاقات ، [illegible] پول ، بدون لباس وحتی بدون آفتاب و هوا در مجرد تاریک شکنجه دید [illegible] دژخیم بسراغ وی آمد و اورا در صف شهدای دیگر وارد نمود ! [illegible] اسعد هم همین سرنوشت را داشت . پس از آنکه مدتها تنها و بی‌پناه در گوشه سلول تاریک زجر کشید با طرز فجیعی [illegible] در دست دژخیمان شهربانی جان داد ! بیچاره صولت‌الدوله قشقائی [illegible] مدتها حبس و فشار او هم در گوشه همین حبس تاریک [illegible] مدتها زجر [illegible] جام زهر را بدست او دادند ! اینها تنها نبوده بسیاری اشخاص [illegible] آزادیخواهان ، رجال سیاسی ، متنفذین ، بهمین ترتیب یکی پس از [illegible] در شکنجه‌های زندان بدست میرغضب های شهربانی مقتول گردیدند ! [illegible] قتل عمدی معمولی نیست ! زجرکش کردن ودر زیر شکنجه [illegible] مقتول ساختن است ! از خفه کردن ، [illegible] ساختن هم [illegible] و جنایتکارانه تر است . قاتلین اینها را باید در حکم قتل عمدی حساب کرد . باید با شدیدترین طرزی آنها را مجازات نمود . باید همه آنها را اعدام کرد .

مختاری ، [illegible] احمدی و سایر جلادان شهربانی سابق همه باید هرچه زودتر محاکمه شوند و بمجازات شنایع اعمال خود برسند . اینها باید طوری مجازات شوند که عبرت عموم خائنین وجنایتکاران گردد . این تقاضای ملت ایران است . اگر دیوان کیفر بدان پاسخ کافی نداد لازم است دیوان جنائی این حساب را یکسره تصفیه نماید . تحقیق در این پرونده ها چندان اشکال ندارد . یک مراجعه بدفاتر [illegible] زندان اسناد کافی برای اثبات این جرائم بدست دادسرا خواهد داد و یک استنطاق محکم ودقیق از مجرمین اعتراف خواهد گرفت .

ضمناً ناگفته نماند که دادسرای تهران باید قتل مدرس را از نظر دور نداشته و با نهایت جدیت آنرا تعقیب و دلائل کافی در اطراف آن تهیه نموده مجرم اصلی را معین و پرونده را بدادگاه جنائی احاله کند . ملت ایران بهیچوجه حاضر نیست خون مدرس هدر گردد و قاتلین وی بمجازات نرسند !

ما با کمال بی‌صبری انتظار تکمیل تحقیقات را داریم و در موقع خود باز در این موضوع سخن خواهیم گفت .

دکتر تقی ارانی آزادیخواه شهیر
که روز چهارده بهمن ماه ۱۳۱۹ در زندان [illegible] شهید شد

گوناگون

مارسیز آلمانی شده

از قراری که روزنامه سویسی نامیونال تسایتونگ مینویسد اخیراً اشغالگران بی‌شرم آلمانی در منطقه اشغال شده فرانسه وقاحت را بجائی رسانیده اند که مردم فرانسه را از خواندن سرود معروف انقلابی مارسیز ممنوع کرده اند و در عقب این عمل ، شرمانه روزنامه های [illegible] فرانسه پیشنهاد میکنند که چون مارسیز از لحاظ ارزش موسیقی اهمیت دارد بهتر است که آهنگ را نگاهداشته و بجای سرود انقلابی اصلی سرودی که از حیث مضمون مورد پسند هیتلر باشد قرار دهند .

هنگری متعلق به کیست ؟

تعداد روستائیان هنگری بالغ بر چهار میلیون و نیم میباشد نصف کلیه زمین های مزروع هنگری به هشت هزار نفر مالک تعلق دارد . از عده فوق [illegible] اشرافی میباشند و بارون های آلمانی نیز [illegible] تعداد آنها چندان کم نیست جزو ملاکین مذکور میباشند .

تقریباً در حدود یک میلیون نفر از کشاورزان هنگری [illegible] میباشند

سوت خارق العاده الکتریکی

اخیراً در کشور های متحده امریکا سوتی اختراع شده که چرخ های آن بوسیله الکتریک گردش مینماید . قدرت این سوت عجیب به اندازه است که در موقع نواختن صدای آن از ٤ الی ۱۰ کیلومتر طنین انداز میشود (برد صدای آن بستگی بوضعیت جوی دارد)

بخاری جیبی

چون سربازان آمریکائی شکایت داشتند از اینکه پس از فرود آمدن در میدان جنگ وسیله گرم کردن غذا ندارند اخیراً در امریکا بخاری بسیار کوچکی بهمین منظور اختراع شده که در کف یک دست جا میگیرد . بخاری های مذکور توسط حب‌های مخصوصی که از ترکیب های شیمیائی ساخته شده گرم میشوند باین طریق که حب های فوق را آتش زده و حرارت حاصله آن غذا را گرم مینماید .

مشت‌زن معروف امریکائی

همه کس نام [illegible] مشت زن معروف امریکائی را شنیده است این شخص از سیاهان امریکائی میباشد . آلمانها بی اندازه از اسم این قهرمان بین‌المللی نفرت دارند زیرا بارها قهرمان [illegible] « [illegible] » آلمانی را در مسابقه های بین‌المللی مشت زنی مغلوب کرده است . این مشت زن معروف اخیرا داوطلبانه وارد ارتش امریکا گردیده تا در میدانهای جنگ نیز با رقبای آلمانی پنجه نرم کند .

از مطبوعات خارجی

آتشفشان

« اگر اروپای اشغالی را به »
« آتشفشانی تشبیه کنیم کشور »
« فرانسه دهانهٔ آن خواهد بود »
(پراودا)

مجله لایف آمریکائی مینویسد : یکی از رهبران نهضت مخفی وطن‌پرستان فرانسه با نام عوضی [illegible] وارد واشنگتن شده است ، وی چنین اظهار داشته است که خود رهبر چهار هزار جوان مسلح فرانسوی است که بر علیه هیتلریها مبارزه میکنند .

دوازده روزنامه مخفی که تیراژ آنها به ۵۰۰۰۰ شماره بالغ است از طرف آنها منتشر میگردد

چهار صد هزار نفر از ملیون فرانسه را توسط هیتلری ها و [illegible] لاوال زندانی شده اند که یکصد هزار آنان گروگان میباشند .

از این عده ۱۲۰۰۰ نفر در فرانسه اشغال شده محبوس اند

با این حال همچنان تخریب — ترور — مبارزات و اعتصابات جریان دارد . سازمان ملیون نام خائنین [illegible] را منتشر و در سرلوحه آن اسامی پتن ـ لاوال — دارلان — دوریو ـ دئا ـ [illegible] پوشه قرار دارد .

دست کم در فرانسه ۵۰۰۰۰ نفر دارای اسلحه بوده و مبارزه بر علیه هیتلری ها و دست نشاندگان آنها ادامه دارد .

توده فرانسه از ملیون ومبارزین در راه آزادی پشتیبانی میکند بطوریکه خوانندگان روزنامه های مخفی فرانسه اکنون به بیست میلیون رسیده است

جاسوسان هیتلری در فرانسه مطابع و کارکنان آنرا گاهگاهی کشف میکنند لیکن بلافاصله روزنامه دیگری با همان اسم و مرام منتشر میگردد .

این موضوع گاهی منظره شگفت انگیزی بخود میگیرد از جمله [illegible] در مهمانخانه ای که مسکن افسران آلمانی بوده مرتبا روزنامه مخفی چاپ و منتشر میشود

ملیون فرانسه روزنامه مخفی تحت عنوان « اونترانوس » (میان خودمان) منتشر و در میان سربازان آلمانی پخش میکردند [illegible] عصبانی گشت و تمام مأمورین خود را بکشف محل و انتشار دهندگان آن روزنامه گماشت . این عمل مدتی بطول انجامید ولیکن پس از آن کارکنان [illegible] دستگیر و اعدام شدند .

مقاله وارده

بقلم ع . ح

کدام سرباز ؟

سربازی که برای دفاع از میهن زاد و بومی خود میجنگد یا آنکه به منظور تصرف خاک دیگری و زیر اسارت در آوردن ساکنین آن خاک جنگ میکند ؛

سربازی که بمیل خود وحتی بیش از آنچه فرماندهانش از وی انتظار دارند در راه استقلال و شرافت ملی خویش جانفشانی میکند یا آنکه فقط بامید غارت و هتک ناموس ـ مرخصی و امتیازات پوچ آینده در پناه تانک های سنگین و با پشتیبانی هواپیما های بیشمار جلو میرود ؛

کدام یک روحیه مقدسی را دنبال میکند و سرانجام کدام یک شاهد پیروزی را در آغوش میکشد ؛

این موضوع را اگر از امثال مرتجعین ظاهر آراسته ای بپرسیم تنها صرف احساسات و تعصب غلط و یا برای حفظ منافع چرکین مادی خود ممکن است آنچنان جوابی دهند که گاهی ما در بعضی از روزنامه های خودمان نیز میخوانیم ـ از جمله ـ

دست سرباز [illegible] سرباز آلمانی دست بالا میرود ....

سرباز « روسی » (یعنی سرباز سرخ) دست و پا میزند .

نویسندگان و مؤمنین بدین ایمان پلید آنقدر روح ملی و خوی آزادگی را از دست داده اند که دست بالا بردن سربازان آلمانی و سرود (آلمان بالای همه را) از محسنات حمیده و صفات پسندیده میپندارند صاحب این پندار پلید نمیتواند اهمیت مقاومت معجزه آسای سربازان « روسی » را دریابد .

این (ملی و وطن پرست !) نمی داند که اگر « آلمان بالای همه » صحیح باشد پس دنیا و ازجمله ایران « پائین همه » قرار خواهد داشت .

این « میهن پرست ! » نمیداند که در مقابل دشمنی خونخوار جهانگیر که از حیث مهمات فراوان و بسیار بر وی برتری دارد اگر سربازی [illegible] بکمر بند خود بندد و خویش را جلوی تانکهای سنگین دشمن پرتاب کند « دست و پا میزند ! » بلکه دشمن را بدست و پا زدن مجبور میکند .

یا بعبارت دیگر اگر سربازی در [illegible] مخصوص هوائی قرار گیرد و « مرکب » خود را بطرف هدف هدایت نماید و با آن مرکب متلاشی شود [illegible] سرمایه خود را فدای میهن [illegible]

بقیه در صفحه ۳

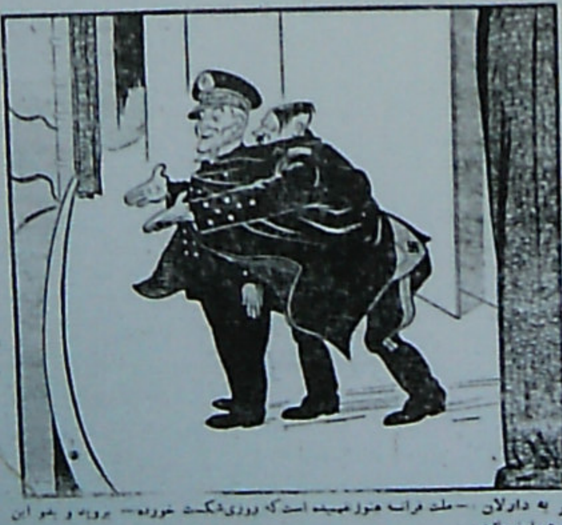

هیتلر به دارلان — ملت فرانسه هنوز نفهمیده است که روزی شکست خورده — بروید و [illegible] این موضوع را بفرمائید .

فن بوک معزول شد؟!

در سال چهارم جنگ میدان نبرد هیتلر یا

داهرو عمارتست و یا صحن اطاقی

استکهلم — خبرگزاری انگلیس خبر میدهد از قرار یک روزنامه سوئدی [illegible] دو هفته است که هیتلر مارشال فن بوک را از فرماندهی ارتش جنوب شوروی محروم کرده است این تصمیم نتیجه اختلاف نظر هائی است که میان هیتلر و فن بوک ظهور نموده است مارشال فن بوک میخواست بعد از حمله باستالین گراد کلیه افراد نیروی آلمان را بر علیه قفقاز متمرکز سازد زیرا عقیده وی حمله استالین گراد برای ارتش آلمان خیلی گران تمام میشود [illegible]

محله کارزار — [illegible]

[illegible]

طی ۴۸ ساعت اخیر اوضاع

استالین گراد تقویت شده. چند خیابان باز

بدست شورویها افتاده — تلفات دشمن زیاد است

لندن — خبرگزاری انگلیس خبر میدهد طوریکه رادیوی نیویورک اظهار میدارد مدافعین استالینگراد [illegible]

مسکو — [illegible]

مسکو — طبق اطلاعاتیکه برای روزنامه های مسکو رسیده [illegible]

مسکو — خبرگزاری انگلیس خبر میدهد [illegible]

[illegible]

از دستگاه رادیو گوبلس

گوینده رادیو برلن

اعلامیه سرفرماندهی ارتش آلمان

تفریحی

شنوندگان گرامی

[illegible]

کمونیستهای سوئد علی رغم نازیها ۱۷ کرسی

بدست آورده اند — بازهم جبهه دوم

استکهلم — خبرگزاری انگلیس [illegible]

مسکو — [illegible]

لندن — چنانکه خبرگزاری فرانسه آزاد اطلاع میدهد [illegible] از این دو کشتی ۲۵۰۰۰ تن [illegible] ۴ [illegible] ۲۲ [illegible]

لندن — [illegible]

در نواحی قطبی برف باریدن گرفت

در ورونژ و جبهه کالینین موفقیت با شورویهاست

مسکو — خبرگزاری انگلیس خبر میدهد در نواحی قطبی پیوسته برف میبارد [illegible]

مسکو — [illegible]

لندن — خبرگزاری انگلیس خبر میدهد [illegible]

میدان جنگ — خبرگزاری شوروی [illegible]

مصر و خاور دور

قاهره — خبرگزاری انگلیس خبر میدهد [illegible]

لندن — [illegible]

چونگ کینگ — [illegible]

واشنگتن — خبرگزاری انگلیس [illegible]

[illegible]

تکفروشیهای روزنامه مردم

خوانندگان محترم روزنامه مردم میتوانند روزنامه را از محلهای زیرین خریداری نمایند

کتابفروشی فرخی	خیابان ری پهلوی کلانتری ۷
عبدالکریم عصمی	اول خیابان فردوسی
فیروزه شرق	مقابل مسجد سپهسالار
سیاح	خیابان ژاله
کتابفروشی البرز	چهارراه یوسف آباد
کتابفروشی گلشائی	مقابل کاخ شهرداری

یادداشتهای زندان

پنجاه و سه نفر

—۴۶—

چون اغلب افراد پنجاه و سه نفر [illegible] مردم تهران یا ساکنین این شهر [illegible] و نزدیکان و دوستان بسیاری [illegible] و پس از گرفتاری داستان آنها [illegible] جا بجا شهرها شهرت یافته [illegible] پروندهٔ آنان به دادگاههای [illegible] منتشر خود داری که [illegible] علی العموم که در مورد این [illegible] «مشجعه» اشتباه شده بود [illegible] چاپ شد و این عده بنام «پنجاه [illegible] نفر» را بیشتر سر زبانها انداخت حالیکه پیش از این عده [illegible] بسیاری را دستگیر ساخته بود [illegible] آنها را بلا تکلیف نگاه میداشت [illegible] یا ده سال پرونده آنها را [illegible] دادگاه محول میکرد.

این عده اغلب از جوانانی بودند [illegible] دانشگاه تهران درس خوانده [illegible] مدارج عالیه تحصیلات را خوانده [illegible] در فرانسه و آلمان طی [illegible] بکارهای مختلفه اشتغال داشته [illegible] میان آنها کسانی بودند که در [illegible] های مختلفه علوم اطلاعات وسیع [illegible] و دانشجویانی که پیدا بود [illegible] محیط خود از افراد زحمتکش و [illegible] علم بوده اند — اینها از دورهٔ [illegible] کشاورزی عزت داشته اند. محیط [illegible] واقعی نمی [illegible]. زندگی [illegible] ایشان موجود نبود در حالیکه [illegible] استعداد قوی داشته و مطالب [illegible] در میافتند باخاصه جوانی [illegible] از انرژی و کار [illegible] آنها اجازه نمیداد که انرژی خود [illegible] راه باطل مصرف کنند. شبها [illegible] و لهو ولعب بروز آورده [illegible] اینها کتابخانه ها میرفتند کتاب [illegible] و سائل گوناگون [illegible] برای خود کتاب فراهم آورده [illegible] مطالعه میکردند و این مسئله [illegible] خواهان عمیق در مورد آنها [illegible] است که موضوع [illegible] بلوه کتاب و کتاب خواندن [illegible] اگر آقایان که جزو [illegible] این عده بود در محکمه [illegible] مکرر دفاع کند: «من [illegible] پیوسته بشاگردان خود توصیه [illegible] کتاب بخوانند. نمی خوانند [illegible] کاهوان و زحمتکش [illegible] آنهم. [illegible] های ابهام در دیوان [illegible] همین عده هستند که جلوی [illegible] اند!!» [illegible] کتاب خواندن پی بردن [illegible]

در محیطی که حقیقت کشی شرط اول حفظ جان و مال بود آنها را بخطر انداخت و زندانی ساخت. دیدار آنها در زندان برای ما که از مدتی پیش حالت یکنواخت و خون تغییر [illegible] می کرد مایهٔ امید بود چه نشان میداد که طبقه روشن فکر ایرانی چنانکه برازندهٔ آنست در قبال ارتجاع خاموش ننشسته و به پیکار برخاسته است.

اصولا هر ملتی جاده تکامل خود را بنحوی مخصوص می پیماید اگرچه در کلیات با ملل دیگر شباهت دارد. در اغلب ممالک جوانان روشن فکر در اصلاحات اجتماعی و [illegible] هایشقدم هستند. من نمیخواهم جوانان [illegible] کشورهای دیگر [illegible] اعتراف کرد که آنها و چندین دستهٔ پیش از آنها در محیط مغشوش وی جنبش ایران پیشقدم بوده و فداکاری کرده اند. فداکاری آنها گرچه نظیر فداکاری آن روشن فکرانی نیست که [illegible] ملت دهانی ها برای ارشاد آنها می گمارند ولی در قیاس با اطاعت مطلق اصناف و طبقات دیگر ارزش [illegible] و اقدام عدهٔ پنجاه و سه نفر آشکار میشود.

گرفتاری پنجاه و سه نفر و استنطاق از آنها سطح معلومات بازجوهای بی سواد ادارهٔ سیاسی را بالا برد. مثلا [illegible] «ماتریالیسم» و «ایده آلیسم» را یاد گرفته بود و خود میدانست [illegible] این مستنطقین در جریان بازجوئی از دسته های مختلف سیاسی که گرفتار میکردند [illegible] جهل خود اعتراف میکرد. روزی (پیش از وقوع کار [illegible] که حکومت آلمانی [illegible]) یکی از مخصوصین [illegible] گفت:

— البته شما [illegible] سواد میدانید. برای شما [illegible] مستنطق [illegible]

آن زندانی [illegible] گفت [illegible] از آنها ندارید!

من نمی خواهم بگویم که در عده ۵۳ نفر همه کامل و بی عیب و بی نقص و مبری از اشتباه بوده اند [illegible] البته ممکن نیست گل بی خار میسر نمیشود. مرد بی عیب و [illegible] وجود ندارد.

کدام سرباز؟

بقیه از صفحه۱

و جامعه خود کرده است اما خوشبختانه تعداد این بلوه سراها و طرفداران در جهان سرباز کم و رفته رفته کم تر میگردد.

شرح این نوع فداکاری های بی نظیر که بحماسه سرائی های قدیمی بیشتر شبیه است امروز جهانیان را بشگفتی انداخته است.

اکنون دنیا در مقابل خود پرده های وحشتناک و شگفت آور می بیند.

وحشتناک برای هیتلر [illegible] بهترین قوات حمله خود را بمیدان [illegible] اینطرف فداکارترین جوانان اتحاد جماهیر شوروی [illegible] پیشواز مهمانان ناخوانده رفته اند.

شگفت آور است زیرا در جنگ گذشته سرباز روسیه تزاری بیش از ده میلیون و مهاجمین آلمان کمتر از [illegible] میلیون بوده با این حال پیروزی از آن مهاجم گردید.

لیکن بنظر ما موضوع امر شگفت آور نیست — طرز معیشت و زندگی افراد قوانین اجتماعی بطرز ماهیتی تغییر کرده است.

هیتلر سربازان «برگزیده» خود وعده داده است که اگر استالینگراد را تصرف کنند دستشان برای غارت اموال اهالی و هتک ناموس باز خواهد بود. مرخصی خواهند داشت [illegible] دیگری از آن آسان خواهند گرفت.

لیکن فرماندهان شوروی هرگز سربازان خود را [illegible] و [illegible] آنها پس از آنکه [illegible] حتی یک قدم عقب [illegible] یکروز هم فرمان داده «بجای دفاع حمله کنید [illegible] هرگز دور نداشت که [illegible] و با نوک سنجهای هوائی [illegible] و پس از مرگ پاداش یک دریافت دارید!»

این عبارات واضح و ارائه [illegible] بدون اینکه وعده های پوچ [illegible] دلبستگی داشته باشد. این ملت آزادی و استقلال خود را در خطر می بیند لذا فداکاری میکند.

در صورتیکه سرباز آلمانی با سیل تانک و بامید «پاداش پس از مرگ» فریب خورده است این کدام سرباز [illegible] مقدس را تعقیب میکند و کدام یک شرافتمندانه بطرف پیروزی جلو میرود؟

سرباز شوروی میداند که از زمین و کوهپایه ای دفاع میکند که خودش و فامیلش از آن سهمی دارند.

سرباز آلمانی تصور میکند که پس از هجوم از آن [illegible] ثروتی [illegible] عاید او خواهد شد (!)

از سربازان شوروی بگذریم سایر سربازان آزادیخواه جهان را مورد دقت قرار دهیم.

سرباز حقیقی آن سربازی است که در داخل و خارج اروپا از خانه و ناموس خود دفاع میکند با آنکه بامید بهره برداری از زحمات ملل «پست» بهجوم خائنانه میپردازد.

سرباز واقعی آن سرباز و کوه لاوی است که میان اروپای هیتلر زده و وسط امواج خروشان دریای ظلم و ستم فاشیسم اسلحه بر کف گرفته با آنکه [illegible] کشور کوچک [illegible] حمله میکند.

سرباز میهن پرست سربازی است که میهن دیگران توهین روا داشته با آنکه از کشور عزیز خود [illegible] فرار میکند و دوش بدوش یاران و متفقین خود [illegible] و آزاد ساختن کشور خویش دل خوش میدارد.....

اگر کشتار بیهوده و جهانگیرانه قابل ستایش (!) است پس بهترین سربازان عالم چنگیزیان و تیموریان بوده اند.

اگر دفاع میهن پرستانه قابل تحسین است و اگر حقیقت همیشه [illegible] امروز جنگهای تدافعی و مقدس [illegible] خواهند [illegible] فاشیسم [illegible] و برای [illegible] انتخاب کرده است همین [illegible] دوری [illegible] خواهد کرد.

دفتر وکالت ابوالفضل لسانی
آخر خیابان [illegible] کالی شماره ۱۵۹
همه روزه بجز ایام تعطیل از ساعت ٤ الی ۸ بعدازظهر [illegible]
[illegible] میشود. ۱—۲

بقلم ژ ـ ب ـ مرتی

ترجمه: ناصر وثوقی

—۲۸—

سقوط باستیل

۳ـ شاه در ورسای و هجوم زنها

چند نفر از [illegible] های پادشاه میخواستند پشت اطاق ملکه بیدار بمانند و تا صبح از او پاسبانی کنند. اما ملکه قبول نکرد و [illegible] خود را هم مرخص نمود. [illegible] از نیمه شب میگذشت. چراغها را خاموش کردند و همینطور که ملکه در [illegible] سکوتی مطلق و مرگبار کاخ را احاطه بود و زوار [illegible] فرو رفت. در گوشه دیگر کاخ [illegible] کسی که ملکه را دوست میداشت و [illegible] تا صبح بیدار ماند و گوش زنگ بود. [illegible] از جان ملکه میترسید و برای همین مطلب احتیاط کرده و بانتظار نشست.

[illegible] ساعت ٦ [illegible] اطاق خواب ملکه را سکوتی غم انگیز و [illegible] فرا گرفته [illegible] صدای فریاد و جیغ زنها این سکوت را در هم شکست و ماری آنتوانت را از خواب [illegible] هنوز خواب از چشمهای ملکه بیرون نرفته [illegible] صداهائی را که بگوشش میرسید [illegible] تصور میکرد. [illegible] زنها همهمه و فریاد گوش خراش را داشته و هنگامه [illegible] بپا کرده بودند. این جیغ و فریاد هر لحظه [illegible] میشد و ملکه را هراسان [illegible] از یکی از در هائیکه پاسبان نداشت وارد کاخ شده و [illegible] ملکه از سر و [illegible] فریاد می کشیدند سر ملکه یا قلب ملکه را [illegible] ماری با شنیدن این جملات چشمهایش باز شد و [illegible] صدای چماق و غیره که به در [illegible] پله مرمر میکوبیدند و صدای تراشیده شدن در زیر ضربات متوالی تبر [illegible] و دیوار را بلرزه می آورد. یکی از [illegible] ملکه سراسیمه از اطاق خواب بیرون دوید آنجا یکی از افسران گارد شاهی فریاد کشید ملکه را نجات دهید! در اطاق جلو را بسته و [illegible] آن را محکم کرد. شاید اگر یک دقیقه [illegible] کار ملکه تمام میشد. زیرا [illegible] از پله کان بالا آمده و افسر گارد شاهی را زیر لگد [illegible] خورد [illegible] دیگر پشت در اطاق جلو رسیده با مشت و لگد بدر میزدند و فریاد میکشیدند [illegible] ما آمده ایم او را [illegible] که [illegible] برگشت و خود را بملکه رسانید فریاد کرد [illegible] وقت [illegible] و انجام مراسم درباری گذشته بود [illegible] دیگری جورابهای ملکه را پاش کشیدند و شنل او را روی دوشش انداخته از در کوچکی وارد اطاق مخصوص ملکه شدند و از آنجا [illegible] لوئی [illegible] این راهرو باطاق لوئی میرفت اما [illegible] با [illegible] و [illegible] وحشتناک سربازان را برای باز کردن آن فرا خواندند. شنل ملکه وسط راه از روی دوشش افتاده و [illegible] شباهت [illegible] آلوده [illegible] با [illegible] و هول و هراس بی پایان فریاد می زد: «دوستان من مرا نجات دهید» یکی از خدمتگذاران [illegible] در را [illegible] باز کرد و [illegible] این ملکه است که اینطور [illegible] پسرک [illegible] و مادر را [illegible] مانند [illegible] لوئی در اطاق بود [illegible] و چشمهایش را [illegible] آنجا پاسبانهای داخلی کاخ درها را می بستند و پشت درها صندلی [illegible] میکردند که مانع [illegible] شود!

همان موقعیکه ملکه را از خواب پرانده شاه را هم بیدار کرده بودند. شاه از [illegible] خبر نداشت [illegible] از پله کان مرمر بالا آمده پشت اطاق ملکه رسیده اند و از اینرو باطاق دیگر [illegible] را تماشا میکرد. بعد باطاق خواب ملکه رفت آنجا هم خالی بود. مگر [illegible] وارد اطاق او گردیده [illegible] بیک [illegible] لوئی [illegible] آمد آنجا تاریکتر بود. شمع هم خاموش شد [illegible] لوئی را که روی زمین میکشید بلند کرد و هر دو [illegible] وارد [illegible]. چشمهای ملکه مانند کسی که در بستر [illegible] تماشا کند با آنها تصادف کرد.

فولاد آبدیده

(۱۵)

[illegible] اوستروفسکی

[illegible]

فصل دوم

[illegible] گشته نگاهی خورده مثل سیم کشیده و [illegible] خبردار ایستاد [illegible] کار شد.

وکیل دادگستری برای ادای توضیحات حاضر شده مرتبا از مستوفیات میخواست که بیک [illegible] در منزل او اتفاق افتاده است.

[illegible] که در جریان کار حضور داشت به پاول گفت که ممکن است [illegible] را همسایه ها دزدیده باشند ومخصوصا همسایهٔ لات [illegible] از همه مورد سوء ظن قرار گرفت.

پاول فوراً مکی پسر را به ستوان توضیح داد و او هم فوراً امر کرد که [illegible] جهت تفتیش حاضر شوند.

تفتیش هیچگونه نتیجهٔ نداد.

[illegible] به پاول ثابت کرد که ممکن است حتی اوقات [illegible] هم مثل [illegible] کاملا بی خطر و بیفایده سر وضع شوند.

∘∘∘

فصل سوم

توبا پنجرهٔ اطاق را باز کرده باحالت تفکر به باغ [illegible] آشنا و [illegible] و گلکاریهای اطراف آن که از نسیم ملایم موج میزدند تماشا میکرد [illegible] که یکسال تمام از این باغ محبوب را [illegible] است مثل این که [illegible] این سر زمین را که از کودکی با آن انس گرفته و از هر [illegible] یادگار های دلنشینی بخاطر دارد ترک کرده و با [illegible] امروز صبح [illegible] برگشته است.

اینجا هیچ چیز عوض نشده بود. بوته های توت فرنگی [illegible] و اصلاح شده او را تماشا میکردند. باغچه ها که از روی اصول [illegible] کشی شده و گلهای نرگس و سنبل [illegible] بیشتر از هر گل [illegible] دوست میداشت در آغوش داشته [illegible] بودند. همه چیز خیلی تمیز و دلچسب بنظر میرسید. آخر دست هرمند باغبانی که کار همه جا پیدا بود و همهٔ این راهها و باغچه ها و نظم و ترتیب همهٔ آنها توبا را مجذوب کرده در عالم فکر فرو میبرد.

توبا زمانی را که هنوز تمام نکرده بود بدست گرفته در راهرو را باز کرده از پله ها پائین آمد و وارد باغ شد و در کوچک دیواره را که تازه رنگ کرده بودند باز کرده با قدمهای آرام بطرف دریاچه کنار ایستگاه راه افتاد.

از پهلوی پل رد شده جاده در آمد. راه مثل خیابانی بنظر میآمد در طرف راست دریاچه دیده میشد [illegible] با بوته های انبوه احاطه شده و امواج کوچکی در سطح آن بازی میکردند. از طرف چپ جنگل شروع میشد.

او بدریاچه را پیش گرفته بود و میل داشت ساحل سنگلاخی آن برود ولی در زیر پاهای خود کنار استخر متوجه قلاب ماهیگیری شد ایستاد خم شده شاخه های انبوه بوته های ساحل استخر را کنار زد.

پسر جوانی پابرهنه با شلوار تا زانو بالا زده دستهٔ قلاب را در دست داشته و [illegible] کهنه [illegible] پهلوی خود گذاشته بود. پسر جوان سرگرم کار خود بود و متوجه نگاههای طولانی توبا نشد.

توبا گفت:

مگر اینجا میشود ماهی گرفت؟!

پاول با عصبانیت برگشته نگاهی کرد.

دختری شاخهٔ درختی را گرفته و تا سطح آب خم شده تماشا میکرد. بلوز سفیدی با یقهٔ راه راه و دامن خاکستری روشنی به تن کرده بود. جوراب نازک و کفشهای قشنگ [illegible] پاهایش را پوشانیده و کفشهای قهوهٔ خوشرنگی آراستگی خاصی بآنها داده بود. زلفهای طلائی رنگش بالای سر گره خورده بود.

لرزش خفیفی در دست ماهیگیر احساس شد. قلاب ماهیگیری بالا و پائین آمد و دوایر کوچک موج در سطح آرام آب باطراف دوید. صدای نشاط آمیزی بگوش رسید:

— ماهی قلاب را نوک میزند. می بینید؟ نوک میزند....

پاول کاملا خود را باخت. قلاب را از آب بیرون کشید. کرمی در انتهای آن دو میخید. پاول از چرا در آورده بیرون انداخت و صدای خنده پیش خود فکر میکرد:

— دیگر میشود دیگر ماهی گرفت؟! این دیگر کی بود سر خر شد؟!

برای اینکه عصبانیت خود را نشان ندهد قلاب را دوباره کمی دورتر در آب انداخت قلاب در اطراف علفهای زیر آبی در آب فرو رفت این کار عمل ناشیانه بود زیرا ممکن بود سر قلاب به علفها گیر کند.

دختری که در بالا نشسته بود ملتفت شده گفت:

— شما چکار میکنید؟ اینطور نمیشود ماهی گرفت.

پاول بعد از کمی مکث طرف دختر برگشته گفت:

— شما چرا داد میزنید؟ تمام ماهیها در میروند.

صدای مسخره آمیزی جواب داد:

— ماهیها مدتی است در رفته اند. وبعد شما برای رم دادن آنها کافی است مگر وسط روز کسی ماهی میگیرد. شما چه ماهیگیری هستید؟!

پاول سعی داشت تا میتواند رعایت نزاکت را بکند ولی این حرفها برای او خیلی گران آمد. بلند شد. کلاهش را تا روی ابرو پائین کشید. اینکار همیشه نشانهٔ عصبانیت پاول بود. حتی المقدور کلمات نزاکت آمیزی بخاطر آورده گفت:

— خانم، شما خیال رفتن از اینجا را ندارید؟!

لبخند زودگذری روی لبهای توبا شکفته و درخشندگی چشمان او را فروتر کرده بود.

— مگر من مانع کار شما هستم؟!

این صدا مسخره آمیز نبود. چیزی دوستانه وآشتی آور در آن حس میشد. پاول که میخواست خانمک را از سر باز کند در مقابل آن خلع سلاح شده بود. با رضایت خاطر گفت:

— ... من ... می ... تماشا کنید. اگر میل دارید هر جا میخواهید بنشینید.

و دوباره نشسته چشم بقلاب دوخت. قلاب تکانی خورده پیدا بود که [illegible] گیر کرده. پاول نمی خواست قلاب را بیرون بکشد پیش خود فکر میکرد:

آیا فنلاند صلح خواهد کرد ؟

کشور کوچک فنلاند که سابقاً جزو امپراطوری روسیه بود پس از انقلاب اکتبر و استقلال کلیه نواحی جزو امپراطوری سابق روسیه همچنان در حکومت سرمایه‌داری باقی ماند و نفوذ زیاد حزب سوسیال دموکرات در آنکشور مانع از آن نگشت که حکومت اتحاد جماهیر شوروی حتی‌الامکان در باره همسایه خود فنلاند جانب احتیاط و دور اندیشی را نگه دارد - زیرا سوسیال دموکراتهای فنلاند که خود را ظاهرا «چپ» می خواندند ابداً [illegible] هیچگونه مخالفتی نسبت حکومت شوروی و کمک نسبت به دشمنان آن حکومت فرو گذار نکرده تا جائیکه با کمک مالی و فکری فاشیسم آلمان خط معروف به «مانرهایم» در سرحد شوروی فنلاند کشیده شد و از ابتداء معلوم بود که این خط هرگز بمنظور جلوگیری از هجوم ارتش سرخ احداث نشده بلکه برای مبدء حملات آینده آلمان بر علیه اتحاد جماهیر شوروی تأسیس گردیده است زمامداران شوروی نیز با نهایت مراقبت مواظب جریانات سیاسی و روابط بین دو کشور فنلاند و آلمان بوده و میدانستند که خواه ناخواه ارتش فاشیستی روزی بکشورشان حمله خواهد کرد [illegible] افتادند که شهر عظیم و صنعتی لنین گراد را از خطر شدید آینده نجات دهند. فاصله مرز فنلاند تا شهر لنینگراد بیش از ۱۳ کیلو متر نبود و حوادث گذشته نشان داد که اگر دولت شوروی دست باقدامات جدی نزده بود لنین گراد [illegible] وجود نداشت که امروز [illegible] از خود بروز دهد و همچنین [illegible] مورمانسک نیز [illegible] دولت [illegible] شوروی میگردید.

گرچه جنگ شوروی و فنلاند را بعضی ها هجوم ارتش سرخ نامیدند لیکن گذشته نشان داد که دولت شوروی هرگز بمنظور جهانگیری و امپریالیستی بکشوری حمله نکرده است و پس از آنکه دولت فنلاند حاضر نشد درخواستهای شوروی را بپذیرد و در مقابل خاکهای بیشتری فقط چند کیلومتر خط مرزی خود را از اطراف لنین گراد عقب تر برد جنگ در گرفت و در این موقع فقط احساس خطر قطعی دولت شوروی را مجبور باقدامات جدی نمود.

بهمین دلیل دولت شوروی پس از چند ماه جنگ [illegible] حاضر شد که تمام فنلاند را اشغال نماید بلکه بهمان اندازه که [illegible] درخواست کرده بود [illegible]

کشور شوروی با داشتن چنین سربازان غیوری غیر قابل دفع است

در صورتیکه اشغال کشور فنلاند برای شوروی در آنوقت امکان داشت زیرا ارتش فنلاند [illegible] از پا در رفته بود.

کشورهای باختر اروپا و بخصوص دولت فرانسه ابتداء بفنلاند کمک کردند لیکن بعدا دیدند که جنگ فنلاند تا چه اندازه در پیروزی متفقین و شکست فاشیسم موثر افتاد.

روز ۲۲ ژوئن ۱۹٤۱ که [illegible] آلمان هیتلری پیمان شکنانه وارد کشور آرام و صلح جوی شوروی شد بیش از ۵۰۰۰۰۰ سرباز آلمان در پس سرحدات فنلاند منتظر هجوم بود لیکن این سپاه دو دلیل از همان روز اول [illegible] حمله نکرد زیرا اولا میخواست نیروی آلمان [illegible] از راه کشورهای ساحلی بالتیک به نزدیکیهای لنین گراد برسد [illegible] حکومت فنلاند میخواست جهانیان و بخصوص کشورهای دموکرات بفهماند که فنلاند حمله نکرده بلکه پس از حمله ارتش سرخ از میهن خویش دفاع کرده است (۱) لیکن خوشبختانه [illegible] اگر [illegible] حکومت فنلاند تا آنوقت [illegible] بود از قضا [illegible] سربازان و ملت فنلاند که در جنگ ۱۹۳۹ متحمل تلفات و صدمات زیاد شده بودند اصولا از جنگ [illegible] آلمان [illegible] و [illegible] از جنگ چند

مرتبه مارشال [illegible] مانرهایم را مجبور [illegible] این [illegible] کرده بود [illegible] سربازان [illegible] لیکن سربازان فنلاند [illegible] جنگ از یک طرف قحطی و گرسنگی و بیماری از طرف دیگر ملت فنلاند را ستوه آورده است [illegible] کشور [illegible]

قبل از جنگ جمعیت فنلاند در حدود سه ملیون بیش نبود و در اثر دو جنگ تاکنون تلفات زیادی چه در جبهه و چه پشت جبهه از گرسنگی [illegible] آن کشور [illegible] ها و کارخانه ها کار میکردند [illegible] آنکشور [illegible] آلمان [illegible] آنکشور از طرف آلمان [illegible]

اینها تمام بلاهائی بود که [illegible] برای توده بیچاره فنلاند ببار آورده بود.

از طرفی دیگر دستگاه دولتی فنلاند اکنون تحت نفوذ [illegible] فاشیسم آلمان است و آن کشور [illegible] مقاومت در برابر [illegible] و در این میان در مضیقه [illegible] است.

هرج و مرج داخلی [illegible] سربازان فنلاند در جبهه [illegible] و همیشه بین آنان و سربازان آلمانی نزاع و دعوا جریان دارد.

عدم سقوط لنین گراد [illegible] خود دلیل بارزی [illegible] موضوع است [illegible]

خبری که طی آن انتشار شده بود سفیر فنلاند در آمریکا خاطر نشان ساخته است که دولت وی حاضر است در صورت تضمین و استقلال کشورش با متفقین صلح کند. ذکر این موضوع که فنلاند تاکنون در مذاکرات [illegible] شرکت نکرده است خود دلیل محکمی بر شکست قطعی [illegible]

ملت فنلاند که از ابتداء حاضر به جنگ نبود [illegible] حاضر به انعقاد صلح شده است تا به بیند [illegible] اوضاع آن کشور تقویت شده موفقیت حاصل خواهد کرد ؟!

نامه های رسیده

جناب آقای مدیر محترم جریده فریده مردم دامت اقباله

پس از اظهار تشکر و امتنان از حسن نظر آن مدیر محترم نسبت به اجاره‌خانه ها و کرایه نشینان مخصوصا یک عده مستخدمین دولت در صفحه اول شماره ۱۷۲ ـ ۱۷/۷/۲۱ آن جریده فریده شرحی مفصلا درج فرموده بوده اند با طرح [illegible] ساختمانهای [illegible] برای مستخدمین دولت محله [illegible] را پیشنهاد نموده اند البته این قسمت [illegible] عملی شود یک عده مستخدمین [illegible] گرانی [illegible] که روز بروز تمام قیمت [illegible] بالا میرود و خانه [illegible] صاحب خانه ها و یا صاحب ملک [illegible] بهتر است آن محل را هیئت محترم دولت [illegible] واگذار نماید و [illegible] دولت [illegible] ۲۵۰ متر فقط (٤ اطاق روی بنا و یک آشپزخانه - انبار - زیرزمین و مستراح) [illegible] وزارت بهداری

خبرهای کشور

ملاقات آقای نخست وزیر

ساعت ۱۰ صبح دیروز آقای وزیر مختار انگلیس در کاخ ابیض حضور بهم رسانیده و آقای نخست وزیر را ملاقات نمودند.

در دادسرای تهران

علاوه بر اتهامات مامورین شهربانی که پرونده‌های آنها تکمیل و در دیوان کیفر مورد رسیدگی قرار گرفت چند فقره پرونده دیگر مربوط بقتل هائی که در گذشته واقع شده بود در دادسرای تهران در دست اقدام بود که اکنون مشغول تکمیل آنها میباشند. موضوع قتل و موارد اتهام هر یک از پرونده‌ها بشرح زیر میباشد:

۱ - دکتر احمدی و سرهنگ راسخ یکنفر دیگر پاسبان متهمند که بدستور سرلشکر آیرم مرتکب قتل مرحوم سردار اسعد شده اند.

۲ - سرهنگ نیرومند متهم است که مرحوم خان‌بابا اسعد را وسیله آزار و شکنجه مقتول ساخته است.

۳ - دکتر احمدی و سرهنگ راسخ و یاور همدانی متهم میباشند که بامر سرلشکر آیرم مرتکب قتل مرحوم تیمورتاش شده اند.

٤ - دکتر احمدی و سرهنگ نیرومند بکمک چند نفر پاسبان متهمند که بامر مختار رئیس شهربانی مرتکب قتل مرحوم فرخی شده اند.

۵ - دکتر احمدی و [illegible] همدانی و فرشچی و [illegible] و چند نفر [illegible] آگاهی بامر مختار مرتکب قتل [illegible] کیخسرو شاهرخ شده اند.

در کمیسیون بودجه

پیش از ظهر دیروز کمیسیون بودجه با حضور آقای معاون وزارت امور خارجه در مجلس تشکیل گردیده و بودجه تفصیلی وزارت امور خارجه مطرح و مورد رسیدگی قرار گرفت در کمیسیون [illegible] بودجه نیز لایحه تفصیلی بنگاه راه آهن دولتی مطرح و [illegible] لایحه تاسیس وزارت خواربار [illegible] مجلس شورای ملی برای تصویب تقدیم شود.

بخشنامه وزارت دادگستری راجع بشرکت در احزاب

این بخشنامه از طرف وزارت دادگستری صادر و بکلیه کارمندان آن وزارتخانه در مرکز و شهرستانها ابلاغ شده است:

«نظر باینکه متصدیان امور دادگستری اعم از قضات و اداری وظیفه دار حل اختلافات و حافظ حقوق عامه بشمار میروند و ایشان را در انجام چنین ماموریتی بیطرفی مطلق باید تا موجب اطمینان کامل عامه مردم قرار گیرند چون شرکت در احزاب و اجتماعات سیاسی که مستلزم [illegible] و طرفداری از مسالک مختلف میباشد منافی این مقصود است لذا بکلیه کارکنان وزارت دادگستری خود داری از ورود در احزاب و اجتماعات سیاسی ابلاغ می شود»

سرکشی بضرابخانه

پیش از ظهر دیروز آقای کاظمی وزیر دارائی باتفاق آقای اردلان معاون وزارت دارائی بضرابخانه رفته و تمام کارخانه های ضرب سکه و قسمت های فنی و اداری را ملاحظه نموده و تعلیمات لازم داده اند.

مستشار خواربار و شهربانی

دو نفر مستشار امریکائی که برای امور خواربار و برای اداره کل شهربانی استخدام شده اند از امریکا حرکت کرده و بزودی بتهران وارد خواهند شد.

آگهی

چون کسبه ساکن خیابان امیریه و حدود دروازه قزوین بواسطه دوری مسافت نمیتوانستند کاملا از باجه بانک ملی در ایستگاه راه آهن استفاده نمایند بنا براین بنا بدرخواست عده زیادی از تقاضا کنندگان و تسهیل کار عموم ساکنین آنحدود از تاریخ اول مهر ماه جاری باجه شماره ۲۵ ایستگاه راه آهن به پاساژ امیریه نزدیک بنگاه حمایت مادران منتقل خواهد شد و علاوه بر حساب جاری - صندوق پس انداز بروات وصولی نیز میتوان ارائه داد.

ش ۳۱۰ ۳ ۳-۳ بانک ملی ایران

کجا؟ ماشین نویسی سیما

چند دستگاه ماشین تحریر بفروش میرسد. بوذرجمهری جنب بازار مسگرها. ش ۳۰۸ ٤۰۳

فرآورده های نفتی ممتاز زیر

برای رفع نیاز عموم در شعبه های شرکت نفت انگلیس و ایران بفروش میرسد:

بنزین سوخت و لکه گیری

نفت چراغ و نفت گاز

شبه تربانتین

روغن برای موتور - ماشین دنده چرخهای

تراش گریس برای یاتاقانهای معمولی

واس کاف امشی

پارافین و وازلین

دادن شماره ترتیب در نانوائی

یکی از نانواهای شهرری بمنظور جلوگیری از ازدحامیکه در دادن نان در نانوائیها بمشتریها میشود شماره هائی ترتیب داده که بمحض ورود به آنها داده شده و از روی همان شماره‌ها نان بمشتریها داده میشود. نظر باین که این عمل اسباب سهولت کار و رضایت مشتریان شده همه نانوائیهای شهرری باین عمل تاسی کرده و شهرداری شهرری هم در این مواقع کمکهای لازم را نموده است.

عمل آقای نراقی نانوای شهرری که در اینکار پیشقدم شده اند و اقدام شهرداری مزبور مورد توجه میباشد.

چه خوب است این فکر در همه دکاکین نانوائی تهران هم عملی شود و بدینوسیله مردم از زحمت زیاد که هنگام ازدحام دور دکاکین ایجاد میشود خلاص گردند زیرا ازدحام در دکاکین نانوائی هم منظره بدی دارد و هم موجب معطلی و اجحاف میگردد و [illegible] اشخاص ناتوان موفق بگرفتن نان میشوند.

امید است شهرداری تهران این موضوع را مورد توجه قرار داده و دستور اجرای آن را بتدریج صادر نماید.

دفتر شکایات فروشگاههای قماش

صورت وظایف متصدیان فروشگاه های قماش دولتی بوسیله دستور مخصوص اداره کل قماش تهیه و در هریک از فروشگاهها بنظر مراجعه کنندگان قرار داده شده. علاوه در هریک از فروشگاههای قماش (اعم از مغازه‌ها و شرکتهای عاملین) دفاتر مخصوص برای شکایات مشتریان نزد مدیر مغازه‌ها گذارده میشود تا هرگاه مراجعه کنندگان شکایتی از طرز رفتار متصدیان فروشگاهها داشته باشند در دفتر مزبور با تعیین نام و نشانی صحیح خود بنویسند تا متخلف مورد تعقیب واقع شود.

زیر چرخ عقب اتومبیل

ساعت ۹ و نیم صبح دیروز اتومبیل شن کشی که از قلعه مرغی برای آوردن شن حرکت میکند هنگام حرکت یکی از عمله‌ها قصد سوار شدن اتومبیل بالا رفته فعلا بزمین پرت شده و پایش زیر چرخ عقب رفته و در بیمارستان فوت میکند پروانه دفن صادر شده و اکنون قضیه مورد بازجوئی است.

چاپخانه علی

تلفن ۵۱٦۲